

# یا اعلیٰ

پروفیسر اکبر

علامہ نصیر الدین نصیر ہونہائی

ڈاکٹر آف لیٹرز (آزری)، ڈسٹنگویشڈ سینئر پروفیسر  
سینئر یونیورسٹی کینیڈا، یو ایس اے

# پاکستان

یگی از تصنیفات

پروفیسور دکتور

علامہ نصیر الدین نصیر ہونزائی

لسان القوم - حکیم القام

مترجم

قربان علی ہمزئی

شائع کردہ

خانہ حکمت - ادارہ عارف

۳۱، نور ویلا ۲۶۹، گاردن ویست کراچی ۳، پاکستان



**Institute for  
Spiritual Wisdom  
and  
Luminous Science**  
*Knowledge for a united humanity*

This Page Intentionally Left Blank

# فہرست عناوین

صفحہ نمبر	عنوان	نمبر شمار
۵	مفہوم مدد	۱
۹	واسطہ و وسیلہ	۲
۱۰	وسیلہ مدد خدای تعالیٰ	۳
۱۲	صلوات	۴
۱۳	کمک از روح القدس	۵
۱۵	کمک از فرشتہ ہا	۶
۱۶	مدد گار شدن فرشتہ گان	۷
۱۶	کمک از دعای رسولؐ	۸
۱۷	نمونہ انسان کامل	۹
۱۸	مدد از پیغمبر	۱۰
۱۹	ناصر	۱۱
۲۰	ہادی	۱۲
۲۱	سرپرست و مددگار	۱۳

نمبر شمار

عنوان

صفحه نمبر

۲۱

نام بزرگ خدای تعالی

۱۳

۲۲

ناصر رسولؐ

۱۵

۲۳

مددگار دین

۱۶

۲۴

گواه رسول

۱۷

۲۵

خدا را یاری کنید

۱۸

۲۷

انصار

۱۹

۲۸

مدد از روشنی

۲۰

۲۹

تماماً مسلمان

۲۱

Institute for  
Spiritual Wisdom  
and  
Luminous Science

Knowledge for a united humanity

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# یا علی مدد

مفهوم مدد:

دلیل علی: در طوری که در این کتاب جای جای اشاره شده است، مخلوق را کمک حقیقی از طرف خدا (ج) حاصل میشود. لیکن این به وسیله رسول و امام ممکن است. سپس کمک جسمانی، مجازی و ظاهری است که از طرف مردم به خدا (ج) پیغمبر و امام باید صورت پذیرد. معنی آن این است که مفهوم «مدد»، مطابق مقام و درجه است. به این معنا که کمک خدا کمک پیغمبر، کمک امام و کمک مردم همانند شده نمیتوانند. چنانچه معنای «یا علی مدد» این است که یا علی راه راست را بر ما بنما و دست ما را بگیر. چون در این جا مراد از «مدد» غیر از هدایت ظاهری و باطنی چیز دیگری نیست.

باز هم اگر پرسیده شود که ما چرا «یا اللہ مدد»، نه گوئیم که «یا رسول

مدد، و «یا علی مدد» بگوئیم؛ اجواب مفصل آن قرار ذیل است:

(۱) کسانی که این عقیده و حتی ایمان است که پیغمبر و امام اسم اعظم زنده و گویندهٔ خدای تعالی اند (۱۸)، از نظر آنها این سخن حق و حقیقت است که ایشان خدای تعالی را به چنین نامی خطاب مینمایند که از همه بزرگتر، عزیز و محبوب است.

(۲) نزد فضلا این سخن بسیار با اهمیت است که خدای تعالی هرگز کسی را صرف در ظاهر و بی نام، خلیفهٔ خود نساخته است. اسم را پیغمبر و امام قرار نه داده است، آن را معلم کتاب آسمانی نه گفته است. و این فرموده نه شده است که سرچشمهٔ نور هدایت از این اسم لفظی است. و چنین ارشاد نه شده است که اسم ظاهری ریسمان خداوند است. پس روشن شد که اسم حقیقی خدای تعالی، پیغمبر و امام اند. لذا به وسیلهٔ اینها رجوع به خدای تعالی صحیح و درست است.

(۳) چرانی؟! در اسمای ظاهری و لفظی خدا (ج) برای مؤمنان نیز نور لازم است. مگر آن وقت، یعنی گهی که پیغمبر و امام از کسی نشنودشود. در غیر آن دشوار و حتی محال است. به عنوان مثال برای نامسلمانی یکی از نامهای ظاهری خدای تعالی را بگوئید و از قرآن دریافت کنید که آیا غیر از اقرار به نبوت و رسالت آنحضرت، چنین شخصی از اسم خداوندی نوری حاصل کرده میتواند؟ مرا یقین است که از قرآن جواب منفی دریافت

خواهیم کرد۔

(۴) انسان کاملی که چنین باشد او خلیفه خدا به روی زمین بوده، پیرانه علم و حکمت و نور هدایت از سوی اوست، وسیله و میانجی بین خدا و مخلوقش میباشد، دستگیر و هدایت دهنده مردم است۔ و این یک گپ ضروری است که مردم همیشه به او مراجعه کنند و کمک او را جلب نمایند، چرا که خدای تعالی او را برای همین مقصد تعیین کرده است۔

(۵) در فضائل، پاکی، عظمت و بزرگی قرآن مجید چه کسی شک آوردن میتواند؟ چون کتاب خدا هر قدر تعظیم و تکریم شود و به هر اندازه که به آن رجوع شود به همان اندازه امر صحیح و در خواست۔ این مثال شامل مقام امام نیز است و در آن اندک شرکی روانیست۔ چرا که روی آوردن به مظاهر خدای تعالی در اصل، روی آوردن به جانب خدا (ج) است۔ در این چه شرکی میتواند باشد؟

(۶) در تصورات خداشناسی، یک تصور چنین است که چون خدا تعالی بر عرش جلوس میفرماید، عرش را فرشته گان بزرگ میسر دارند۔ اگر این سخن صورت مثالی نه داشته باشد، حقیقت باشد، پس معنای آن این است که فرشته گان نیرومندی که عرش عظیم را بلند نگه میدارند۔ هرگز شریک خدا نیستند، بل بنده گان او اند۔ که چه عرش الهی بر آنها قائم است۔

(۷) تصور لوح و قلم خدای تعالی است که همین لوح و قلم، کارهای خدا (ج) را انجام میدهند۔ اما از این که همه چیزها بر وفق خواست خداوند



است، از این رولوح و سلم نیز شریک خدا شده نه میتواند - چون آنچه که از خود خدای تعالی است شریک خدا (ح) گفته نه میشود -

۸. فرشته‌گان مقرب خدای تعالی، جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل علیهم السلام اند که بسیاری از امور روحانی را انجام میدهند و اقزون بر آنها تعداد بیشمار فرشته‌گان دیگر هستند که به کارهای مختلف ماموریت دارند - آنها به فرمان خدای تعالی کاری کنند - اما با وجود ایفای امور مربوط به روح، روحانیت و غیب، شریک خدا گفته نه میشوند -

۹. یک مثال هم از عالم ظاهر بیاوریم که خورشید در این کاینات چقدر کار بزرگ را انجام میدهد، نظام تمام کاینات در این دنیا بر آفتاب استوار است - همین قسم اگر عالم دین هم در نوعیت خود یک آفتاب باشد، در این صورت روشن است که آفتاب عالم دین از آفتاب عالم ظاهر نیز عجیب تر خواهد بود و بسیار عجیب! مگر کدام صاحب نظر میگوید که آن خورشید عالم دین خودش خدا است؟ یا شریک خدا؟

اگر خورشید عالم ظاهر با وجود روشنی بی نهایت و طاقت بزرگ مادش شریک خدا شده نه میتواند، پس باید دانست که خورشید عالم دین را نیز شریک خدای تعالی نه میتوان گفت - اما میتواند مظهر قدرت خدای تعالی باشد، خزانة خدای تعالی گفته میشود و میتواند وسیله هدایت باشد - لذا باید فهمید که رسول و امام، آفتاب عالم دین اند - یعنی نور میباشند - و رجوع به آنها به منظور دریافت روشنی و درخواست اعانت جایز و درست است -

و در این شرک نیست -

در آفتاب عالم دین، روح پاک و عقل کامل وجود دارد. و سرچشمه فیضان علم و حکمت و منبع رشد و هدایت قرار داده شده است که پروردگار عالم پیوسته بر آن نیرو می بخشد. و صاحب اختیار میباشد. پس اگر بگوئیم که یا آفتاب عالم دین، به ما روشنی بخشای، آیا این شرک است؟ چنانچه طور دیگری؟

### واسطه و وسیله ادبیل ۲ :- انسان برای کسب هدایت نیازمند

به هستی مقدسی است. چرا که او خود مستقیماً به خدا رسیدن نمیتواند. تصریح مطلب این است که او به صورت ذاتی از شنیدن هدایت پاک خدای تعالی عاجز است یا بیپرده باید گفت که گوش دل او کراست. و آدمی که کمر شده باشد، در نتیجه گنگ هم میشود. پس چنین شخصی که او را زبانی که باید باشد، نیست، خدای تعالی را چنانچه طور مورد خطاب قرار داده میتواند؟ در این مورد فیصله چنین است که هر آن که هدایت خدای جلیل و جبار را شنوایند بود، میتواند دعا و التجای وی را کماحقه به حضور خدای تعالی برساند. از همین رو هست که در قرآن ارشاد شده است که :

و (ای رسول!) اگر به هنگامی که مرتکب گناهی شدند نزد تو آمده بودند و از خدا آمرزش خواسته بودند و پیامبر برایشان آمرزش خواسته بود، خدا را توبه پذیر و مهربان مییافتند (سوره بقره ۳۷)

از این پیدا است که به حضور پیغمبر به صورت ظاهری یا باطنی

وقتی مراجعه شود، در هر وضعی این درخواست کردنی است که یا رسول الله ما به حکم خدای تعالی به حضور شما آمده ایم، بر ما کمک و مدد عطا فرمایید و در «یا علی مدد»، هم فقط همین مفهوم مضمراست. چون که مولای مشکل کشا جانشین - بر حق آنحضرت است -

به موجب آیت متذکره فوق وقتی خدای تعالی این حکم داده است که مردم برای نجات از گناهی خویش به پیغمبر رجوع کنند و توسط آنحضرت طالب عفو شوند، آیا این ثبوت نه میشود که چنین وسیله سی همیشه ضروری است و آن باید همواره حاضر و موجود باشد؟

### وسيلة مدد خدای تعالی | دلیل ۳: در خدای تعالی که خود از هر چیز

پاک و منزه است، به رحمت بی نهایت خود برای تمام امور دینی و مابلی و اسباب پیدا کرده است. و برای انجام دادن هر نوع کاری او یک سبب نی، بل اقسام اسباب ساخته است. خداوند مهربان وقتی به بنده های خود کدام چیزی عطا کردن بخواهد، نه خودش پیش روی ایشان می آید و نه کسی را به نزد خود خوانده مورد نوازش قرار میدهد. بل به کدام واسطه و وسیله سی این مهربانی را ارزانی میدارد. و اگر کدام چیزی را از طرف بنده های خود مورد قبول درگاه خویش قرار بدهد، آن را مع الواسطه می پذیرد. و این سخن را صرف دانایان میدانند.

اکنون مادر این جایک مسأله مهم را در نظر گرفته حرف میزنیم. و

آن این درس قرآن پاک است که: **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ**  
 (خدا یا ترا عبادت میکنیم و از تو یاری میخواهیم) در این دعای مقدس  
 سوال این است که آیا مددی را که باید از خدای تعالی بخواهیم بدون کدام  
 وسیله بی ممکن است؟ یا این بر وفق تو این عام اسلام میتواند باشد؟  
 اگر پاسخ آن این باشد که این یاری خواستن همان است که در اسلام  
 است، طوری که صورت عملی تذکار آن در قرآن موجود است. و آن این است  
 که بنده مؤمن باید توسط دعای رسول (ﷺ)، و صبر و صلوات (ﷺ)، از خدا  
 کمک بخواهد تا آن که آفریدگار جهان بر حسب سنت خود توسط فرشته  
 (ﷻ)، روح (ﷻ)، بنی (ﷻ)، و ولی (امام ﷺ) وی را مدد  
 نماید. عادت خدای تعالی همیشه همین بوده است.

باید دانست که با وسایل تعیین کرده خدای تعالی، خدا را عبادت کردن  
 و از وی یاری خواستن عین توحید است، شرک هرگز نیست. چون که این  
 وسایل و شعایر، خداوندی اند. غیر خداوندی نیستند. و شرک آن است  
 که بدون رضای خداوند، چیزی را وسیله قرار بدهند. از تعلیمات پاک  
 قرآن یکی هم این است که توبه وسیله صبر و صلوات از خدای تعالی یاری  
 بخواه (ﷻ)

اکنون اگر بینشندی با اندک دقت، نظر اندازی کند، این حقیقت  
 برایش زود روشن خواهد شد که صبری که این جا ذکرش رفته است، یک  
 صفت بشری است که کسی در وقت تنگدستی یا درد دران تکالیف و مصایب

سخت، با عزم و همت سختی را برداشت کند -  
 اهمیت صبر و شکیبایی این است که بر پایه نماز متکی باشد و با اتکا  
 به آن از خدا کمک خواسته شود - اینک بگوئید آیا این نیز ثمرک است -  
 که به وسیله صبر و صلوات از خدای تعالی کمک خواسته شود؟  
 سوای مفهوم ظاهری صبر و صلوات تأویل این است که صبر، -  
 آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم است و نماز، نایب آنحضرت یعنی مولانا  
 مرتضی علی علیه السلام - توسط ایشان از خداوند باید مدد خواسته شود،  
 چون به اجزای آن حکم شده است - همین طریقه از همه بهتر است -

**صلوات** | دلیل ۲: ترجمه آیه مقدس: **اللهم همان است که خود**  
**بر شما درود میفرستد - و دعای رحمت میکنند بر شما فرشته گان او نیز تا بر**  
**آورد شمارا از - تاریکیها و ببرد به سوی روشنی (۳۳-)**  
 ارشاد یک آیه مقدس دیگر است که: **دها تیهامی که چنین اند، به**  
**خدا و آخرت ایمان دارند و مصرفی که در راه خدا میکنند، آن را موجب**  
**تقرب به درگاه خدا، به وسیله دعای رسول میدانند - آگاه باشید! واقعاً**  
**این خیرات شان موجب تقرب ایشان است - خدا آنها را به زودی**  
**شامل رحمت خویش خواهد کرد - (۹۹)**  
 در هر دو آیت این تصور و تأثر داده شده است که طریق کار -  
 هدایت و رحمت خدای تعالی در فهم گنجاینده شود که به چه شیوه می برای -

مؤمنان هدایت و رحمت رسانیده میشود.

اگر این طریقه چنین است که در کار برآمدن از تاریکی و تقرب  
جستن به سوی خدا، بعد از خدای تعالی، رسول و فرشته گان میتوانند  
مددگار ایشان باشند، پس آیا این عقیده و تصور و علم مادر دل ما این  
وجد و حال را ایجاد نمیکند که ما به آن وسایل برای دریافت هدایت  
و رحمت رتوع کنیم؟ پنهان ندی که داده میتوانند و مددگاری که از جانب خدا  
تعیین شده اند، اگر به آنها گفته شود که مدد نمایند این کپ غلطی است؟ سبحان  
الله! به خاطر باید. داشت که اگر چه در ظاهر فرشته جدا، رسول جدا و امام  
جدا اند، اما در باطن فرشته گان، پیغمبر و امام از نور جدا نیستند.

## کمک از روح القدس | دلیل ۵: در شهادت قرآن کریم در چندین آیت

به این حقیقت - برمیخورید که در آن متبیین است که خدای تعالی بنده های  
خاص خود را به وسیله یک روح خاص یاری میرساند. به ویژه در این جایها  
نظر اندازید: - (۸۲)، (۱۰۳)، (۱۱۰)، (۱۱۶) و (۱۴۲)  
قبل از آنها مقام سوم این تذکره آمده است که خدای تعالی حضرت  
عیسی علیه السلام را توسط روح القدس کمک میکرد. در مقام چهارم این  
تذکار است که بر قلب مبارک آنحضرت قرآن به واسطه همین فرشته  
نازل شده بود. و در آیت اخیر چنین ارشاد شده است که گروه مسلمین را  
یعنی مؤمنین حقیقی را پروردگار عالم به وسیله روح خاص یاری میرساند.  
به گمان من یگان بار پرکش هم بسیار سودمند است. چون از

آن گپها در ذهن می نشینند - از این جهت این جا مسایل به صورت سوال و جواب مطرح میگردد که آیا این درک درست است که سوای پیغمبر از حضور خدای تعالی مستقیماً روح القدس یا کدام روح خاص آمده مؤمنین را مدد نماید، در حالی که آنحضرت برای هر دو جهان رحمت کل اند؟

جواب: نه این درست نیست - چنین روحی توسط رحمت عالم و به وسیله دعای آنحضرت می آید - حتی این را زباید گشوده شود که حضور نور صلعم مرکز رحمت خدای تعالی اند - و فرشته گان رحمت، اشعه نور رحمت پیغمبر اند چرا که سر آغاز نور مانند آفتاب ظاهری و مادی، بیجان و عاری از عقل نه میباشد، بل در این روح مقدس و عقل کامل موجود است - زمانی که این نور در دل مؤمنی روشنی می افکند، در آن ذرات روح و عقل موجود میباشد و راجع به این حقیقت در زبان تنزیل گفته میشود که توسط یک روح خاص که از طرف خدای تعالی بود به آن مؤمن یا به مؤمنین کمک کرده شده است -

در این کتاب در جای که از نزول فرشته گان به خاطر کمک به مؤمنان تذکر رفته است، هرگز این مفهوم را نه دارد که بدون نور نبوت و امامت و جدا از آن نور این کار صورت پذیرد - بل، منظور همان است که پیشتر گفته شده است که اتحاد و یگانگی ارواح و فرشته گان یک مرکز عظیم المرتبت است که نامش نور محمدی میباشد - و همین نور درجه شرف نزدیکی با خدا را دارد و در نه خدای تعالی از تصور زمان مکان

پاک و منزّه است. یعنی مفهوم «واید هم بروج منه» ۵۱ را دارد که خدایتعالی  
 مؤمنان را با نور مصطفی در تعالی مدد میرساند.

## کمک از فرشته‌ها | دلیل ۶: در سیزدهمین رکوع سوره آل عمران

یکی از ارشادات این است که در موقع «جنگ بدر» خدای تعالی مسلمانان  
 را به وسيله فرشته‌گان کمک میکرد اکنون در این امر با اندک دقت و  
 تفکر به نتیجه باید رسید که اگر کمک روحانی چنین یک صفت خاصی بود  
 که انجام آن بدون ذات پاک خدای تعالی به هیچ ذریعه دیگری ممکن نه  
 میبود، انگاه فرشته‌گان در آن مداخله نه میکردند و قرآن نیز نه میفرمود  
 که به وسيله فرشته‌گان مدد داده شد. در حالی که فرشته‌گان خدا نیستند  
 بل، خدا همان رب العالین است. اما انسانی که به جانب حقیقت نه‌گراید  
 با اوچی باید کرد؟

این تذکره در آخر رکوع اول سوره الفعّال نیز موجود است که در هنگام  
 آن جنگ برای مسلمانان توسط فرشته‌ها تایید و نصرت داده شده  
 بود و در هر دو مقام یک‌گپ مشترک است و آن این که مقصد از  
 آن آرامش قلبی گروه مسلمین بود. یعنی این معجزه طوری بود که با وقوع  
 آن فی الوقت برای مسلمین کاسیابی دست داد. دیگر اینکه فهمیده شود  
 که کمک روحانی چنین طریقی هم موجود است که نوع معجزانه آن اطمینان خاطر است.



## مددگار شدن فرشته‌گان | دلیل ۷: ترجمه آیه مقدس: بر آنان

گفتند: پروردگار ما اللہ است۔ و پایداری و وزیدند، فرشته‌گان فرودی آیند که مترسید و نمکین مباحثید، شمارا به بھشتی کہ وعده داده بودند بشارت است۔ مادر دنیا۔ دوستدار شما بودیم و نیز در آخرت دوستدار

شما ایم۔ (۳۱-۳۱)

از این آیه پر حکمت این حقیقت آشکار میگردد کہ بہ امر پروردگار عالم فرشته‌گان بہ طریق روحانی مؤمنان را تایید و کمک مینمایند۔ زیرا کہ خدای تعالی کہ حاکم مطلق است، او برای انجام امور مربوط بہ کون و مکان، سببها ساخته است۔ و برای ہر کاری یک وسیلہ یا وسایلی تعیین کرده است۔ و فقط فرمان میدہد، اسباب و لوازم ظاہر و باطن کار میکنند۔ چنانچہ برای مدد روحانی و جسمانی نیز خدای تعالی وسایلی ساخته است۔ از وسیلہ کہ مدد گرفتہ میشود، مدد الہی گفتہ میشود۔ زیرا کہ ذریعہ و وسیلہ آن از طرف خداوند است۔

## کمک از دعای رسول | دلیل ۸: ترجمه آیه معتبرہ کہ: (ای رسول)

از مالهای ایشان صدقہ بگیرید تا بہ وسیلہ این ایشان را پاک کردہ باشید۔ بر ایشان دعا کنید، بدون شک دعای شما برای آنها اطمینان قلب است۔

از این ارشاد خداوندی دو حکمت بزرگ ظاهر میشود یکی این که از دعای خیر رسول اکرم به شکل اطمینان قلبی به مردم مدد روحانی میرسد؛ چرا که اطمینان خاطر خود یک نوع کمک است. و دیگری این که هنگامی که برای کمک به مسلمین، فرشته گان نازل شدند، از برکت دعای آنحضرت شده بودند.

در باره نزل فرشته ها فرموده شده است که غرض از آن اطمینان دادن برای مؤمنین است. و این جا ارشاد این است که منبع سکون قلبی دعای مقدس آنحضرت میباشد. پس ما مفهوم این را به خوبی فهمیدیم که فرشته گانی که نازل شدند و آن تسکین دل که اصحاب رسول را از درد معجزانه رسیده بود، آن هم از برکت دعای آنحضرت بود، چرا که هرگونه سکون حقیقی را ذریعه و سبب دعای پاک رحمت عالم است. پس پیدا است که منبع آرامش دل و مدد روحانی به حکم خدای تعالی پیغمبر اکرم است و بعد از وی پیشوایان برحق آل اطهار او نیز در وقت خود همین درجه را دارنده.

نمونه انسان کامل | دلیل ۹: ترجمه آیت حکمت آمیز: (ای رسول!) بگرد روی زمین اگر فرشته گان به آرامی راه میرفتند، برایشان به پیامبری

فرشته‌یی را از آسمان نازل می‌کردیم - (۱۷/۹۵)

اشاره این فرمان الهی این است که در این دنیا چنین انسان‌های کاملی هم می‌آیند که از نظر جسمانی بشر می‌باشند، اما از نگاه روحانی ملائک گفته می‌شوند. خود نیز از هر لحاظی مطمئن اند و دیگران را هم به حکم خدا می‌توانند اطمینان دهند. ایشان در میان فرشته‌گان و انسان‌ها به مثابه حلقه‌ی وصل اند تا که به رحمت و برکت خدای تعالی مردم را یاری داده بتوانند و چنین انسان کاملی که متصف به صفات ملکوتی باشد، از همه پیشتر ذات پاک رسول اکرم است. و بعد از آنحضرت، امامان برحق علیهم السلام اند.

Institute for

مدد از پیغمبر

دلیل بر وقتی رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، مردم را مطابق به امر و فرمان خدای تعالی پاک می‌کردند، مغفالتش این است که - آنحضرت گناهیهای ایشان را از انیل مینمودند. و آیا این مطلب را به عبارۀ دیگر این طور ادا کرده نه میتوانیم که بگوئیم همین طور آنحضرت مردم را کمک روحانی مینمودند و با دعای مبارک خود ایشان را سکون قلبی داده، آنان را دستگیری و یاری کرده اند؟ چرا که خدای تعالی آرامش دل مؤمن را اطمینان قلبی گفته است که به صورت کامل آرام است و در آن هر نوع کمک موجود و مهیا میباشد. یعنی در یک چنین اطمینان و سکون، امداد ذهنی، خارجی، اخلاقی و روحانی نیز

شامل است. پس اگر قبول شود که نعمت دین حق بیزوال است ، درست است. چون این نعت بعد از رسول اکرم نیز همچنان بر جای خود موجود است قسمی که از آن پیش مکمل بود، همان طور میباید بود و باز برای جانشین آنحضرت نیز این صفت میباید، چون مصداق آن در آیه متبرکه ذیل آمده است:

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ  
تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ  
سَكَنٌ لَهُمْ (۹۳)

از مالهای ایشان صدقه بگیرید. چون بر این وسیله ایشان را پاک میسازید. و برایشان دعا کنید، یقیناً دعای شما مایه آرامش آنهاست.

## فاصله | دلیل ۱۱: القاب و اسمای آنحضرت چنین

اند که از معنی و مفهوم بعضی از آنها به صورت روشن ظاهر میگردد که آنحضرت پشت و پناه، مددگار و دستگیر و پشتیبان پیروان خویش اند. طوری که از نام مقدس «ناصر» آنحضرت این حقیقت مشهود است که «ناصر» نصرت دهنده را میگویند و مقصد از آن کمک فحانی و نورانی است. و در آن کسی حیرا باید تعجب کند؛ چون که سرور کائنات برای جهانیان رحمت کل اند. و اگر کسی از روی عقل فکر کند، یا پیرسد، برای وی معلوم میشود که رحمت صرف، نام یک مهربانی نیست. بل این

شامل مجموع مهربانیهامیگرد که در آن، مدد، نصرت و دستگیری نیز است و تعلق همه این - اوصاف کامل به علی عالی صفات و ذوات مقدس ائمه کرام هم است - لهذا اگر ما «یا علی مدد» بگوئیم، در آن چه شکی میتواند واقع شود؟ ما که هرگز خلاف رضای خدا و پیغمبر حرفی نه میزنیم، بل در این قول خود به چنین یک ذریعه سی رجوع کرده ایم که او را خدای تعالی و رسول او تعیین کرده اند -

## هادی | دلیل ۱۲، این سخن به همه معلوم و روشن است که هادی

هدایت دهنده را میگویند - یعنی راه نشان دهنده و مطلب از آن رهنمای مومنان است به راه دین که در آن تصور دستگیری و دستگیری نیز شامل میگردد - طوری که مسافر ضعیفی گاهی اگر نیاز احساس میکند، رهبر آن را دستگیری مینماید - یعنی دست او را گرفته، پناه داده، مدد مینماید و زمانی هم ضرورت می افتد که پیرو دامن رهنمای خود را گرفته راه برود - اکنون یک طفل هم این گپ را به آسانی درک کرده میتواند که در این مثال مفهوم «هادی» مددگار است - چون که هدایت خود بزرگترین مدد است - و آیا کسی این را گفته میتواند که امام که نقیض «رهبر دین» است، وقتی که مؤمنان را رهبری میکند، ایشان را به سوی منزل مقصود هدایت مینماید، در یک چنین کاری که او میکند، مفهوم مدد مضمّن نیست؟ دستگیری نیست؟ به هر صورت، ما را در این مورد یقین کامل است که

معانی حقیقی رشد و هدایت و علم و حکمت «مدد» است. لذا در گفتن  
«یا علی مدد» مضایقه می نیست.

## سرپرست و مددگار | دلیل ۱۳: ترجمه آیه کریمه: پروردگارا!

بیرون آمدن ما از دهکده سی که با شنیده گانش بسیار ظالم اند و از  
طرف خود کسی را راهنمای ما تعیین کن. (۳/۷۵)  
خلاصه صاف و ساده این تعلیم پاک قرآن این است که چون  
سرپرست و مددگار از سوی خدای تعالی باشد و آن را خدا (ج) تعیین  
کرده باشد، او بر حق است. و مردم را رهبری و سرپرستی کرده میتواند  
چرا که خداوند او را برای کاری که گماریده است، برایش توان ایفای  
آن را نیز بخشیده است، از این جهت به این درجه عالیه، غیر از انسان  
هدایت یافته و کامل، شخص دیگری رسیدن نمیتواند. و آن ذات اقدس  
حضور اکرم و جانشین حقیقی وی است. یعنی امام عالی مقام ع.

## نام بزرگ خدای تعالی | دلیل ۱۳: ارشاد خداوندی: وَبَشِّرِ

الْأَسْمَاءَ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا ۖ ﴿۱۸﴾ و از آن خدا است  
نامهای نیک. خطاب نماید او را به آن نامها.

در قرآن کریم افزون بر این آیه متذکره، ذکر اسمای حسنی در  
آیه های: (۱۱۳)، (۲۶) و (۵۹) نیز موجود است. در باب سوم

کوکب دري هتفتت ۲۹، فرموده علی است که: اَنَا الْاِسْمَاعُ  
 الْحُسْنَى الَّتِي اَمْرًا لَلَّهِ اَنْ يَّدْعَى بِهَا يَعْنِي، من آن نامهای  
 زیبای خدا هستم که درباره آن خدای تعالی ارشاد فرموده است  
 که او به آن نامها خطاب شود. (برای فهم بیشتر تفاسیر شیعی و  
 کتابهای متعلقه دیده شود)

توأم با این، بعضی سخنان مهم در این جا گفته میشود. آن طور  
 که منشای آیه شریفه مذکوره بالا است که نامهای خوب و بزرگ -  
 خدای تعالی به شناخت در آیند - چنانچه صاحب تأویل حضرت  
 امیرالمؤمنین با وضاحت فرموده اند که خود اسم بزرگ خدای تعالی  
 اند - و مرادش این است که از همه بیشتر رسول اکرم، بعد علی و سپس  
 ائمه اطهار (اولاده علی) در عهد خود اسم اعظم خدای تعالی اند - بنابراین  
 اسمای این بزرگان را «اسمای هستی» قرار داده، خدای واحد را یاد باید  
 کرد - باشد که خداوند عالم خطاب ما را بشنود و مورد قبول خویش  
 قرار دهد -

**ناصر رسول** | دلیل ۱۵؛ قال النبي صلى الله عليه

وآله وسلم، رَأَيْتُ لَيْلَةً - أُسْرِيَ بِي مُثَبَّتًا عَلَيَّ  
 سَاقِ الْعَرْشِ غَرَسَتْ جَنَّةَ عَدْنٍ مُحَمَّدٍ صَفْوَتِي مِنْ  
 خَلْقِي أَيَّدْتُهُ بِعَلِيٍّ - ترجمه: در حلیة الاولیاء به روایت

الواجراء، نقل شده است که رسول خدا فرمودند که: وقتی شب معراج  
 مرا به آسمان بردند، دیدم بر ساق عرش نگاشته شده است: زمین که —  
 خداوند از برای محمد در جنت عدن انواع درختها غرس کرده ایم که اواز  
 برگزیده ترین مخلوقات من است. او را به وسیله علی یاری داده ایم -  
 (کوکب دری، باب دوم، منقبت ۵۳)۔

از این ارشاد قرآن مشهود است که حدیث متذکره به طور کلی صحیح  
 است: **رَوَقُلْ رَبِّ اِدْخِلْنِيْ، مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّ اَخْرِجْنِيْ  
 مَخْرَجَ صِدْقٍ وَّ اجْعَلْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نٰصِيْرًا**  
 (۱۷) یعنی، به آن حضرت فرموده شده است که بجوای پروردگاری من، مرا  
 به راستی و نیکویی داخل کن و به راستی و نیکویی بیرون بر، و مرا از جانب  
 خود پیروزی و یاری عطا کن - (مراجعه کنید به ترجمه قرآن فرمان علی صاحب  
 باستغاثات حواشی)

**مددگار دین | دلیل ۱۴** : در قسمت دوم منقبت ۱۴۵ کتاب کوکب

دری آمده است که: **قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: اِنَّ اللّٰهَ  
 تَعَالٰى اَتَدَّ هٰذَ الَّذِيْنَ بِعَلِيٍّ وَاَنَا مِنْهُ وَفِيْهِ اَنْزَلَ  
 اَنْسَنَ كَانَ عَلِيٌّ بَيْتَهُ مِّنْ رَبِّهِ الْاَيُّه**

ترجمه: از ابوذر غفاری رضی الله عنه روایت شده است  
 که رسول فرمودند که خدای تعالی این دین را به وسیله علی نیر و بخشیده



است۔ ومن ازینم۔ ودرشان این، آیه ذیل نازل شده است: اِنَّ  
كَانَ عَلٰی بَيْنِنَا ... الخ

**گواه رسول** | دلیل ۱۷: ترجمه آیه متبرکه: و مردی که کافر شده  
اند، میگویند که تو فرستاده خدا نیستی۔ (ای رسول!) بگوید که در میان  
من و شما۔ خدای تعالی بهترین گواه است۔ و آن شخص هم که علم کتاب  
(قرآن) نزد اوست۔ (۳۳)، و آیه کریمه دیگر که ذکرش گذشت ترجمه  
اش این است:۔ آیا انکارکننده قرآن باچنین شخصی برابری کردن میتواند  
که انگای وی بر قرآن است که از طرف پروردگارش آمده است و  
از آن نیز گواهی است۔ (۱۱)

این حقیقت مسلم است که آیات متذکره در شان مولانا علی  
علیه السلام است۔ زیرا که وی گواه دوم رسالت و نبوت حضرت  
رسول است۔ در حالی که خداوند تعالی در این امر اولین گواه است۔  
و شخص سعادت مند که در این نکته خوض کند خواهد دانست که معنی گواه  
بودن سرداران نبی صلعم چی مفهومی دارد۔ سبحان الله! پروردگار عالم  
حضرت علی مرتضی را مالک گنج بی پایان اسرار معنوی کلمه «شہید» و «شاهد»  
کرده است۔

معنای مختصر آن این است که نبوت رحمتہ للعالمین که عالم ....  
عظیم الشان علم و حکمت، رشد و هدایت و اسرار روحانیت و نورانیت

است (و بر زنده گی روحانی و جسمانی آنحضرت محیط بود) از تمام احوال زندگی وی علی علیه السلام خوب واقف و آگاه بودند -

علی رغم آن این امر چچی گونه میتواند ممکن باشد که خدا (ج) با آن همه اوج نشینی زولانی در مورد اسرار نبوت و مشاهدات عجیب و غریب قدرت، خویشتم را بر اسرار نبوت آنحضرت گواه قرار داده است در آن جا؟ برای این که اگر در آن جا شخصی را از میان عوام گواه تعیین میکردند او به صورت ذاتی و افعیتها رانه میتواندست ببیند - و اصل حقیقت این است که محمد و علی دو پیکر جسمانی یک نور مقدس اند - و این مفهوم از آیت مذکوره (از شاهد مننه) نیز آشکار است - یعنی علی بر نبوت آنحضرت طوری گواه اند که خود از نور پاک نبی اکرم میباشند - طوری که آنحضرت فرمودند: (ما من و علی) در حضور پاک خدای تعالی به شکل یک نور موجود بودیم - علی از من است و من از علی - (اینابیح الموده، باب اول)

در روشنی حقایق و معارف بالا اکنون شما خودتان از روی حق و انصاف بگوئید که انسان کاملی که میتواند به مقام بلند قرب خداوندی نایز گردد، هادی برحق که از نور اقدس پیغمبر اکرم باشد همچنان امام پاک علیه السلام که حامل حکمت کتاب آسمانی و گواه دایمی بر رسالت و نبوت آنحضرت است، هر قسم مددگاری شده میتواند یا خیر؟

**خدا را یاری کنید** | دلیل ۱۸: فرمان خداوندی است که :-

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ

یثبت اقدامکم (۳۲) یعنی، ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر خدا را یاری کنید، شمارا یاری خواهد کرد و پایداری خواهد بخشید از این آیه مقدس چند حکمت بزرگ ظاهر میگردد:

حکمت اول این است که مدد از خاص، خاصتر هم است و از عام عامتر هم. لھذا ما بعد از خدای تعالی از رسول و امام طالب مدد شده میتوانیم. اگر این امر چنین میبود که خدای تعالی مدد را به جانب عام آورده نه میفرمود که اگر شما خدا را مدد کنید، خدا شمارا مدد خواهد کرد، ظاهر است که مدد در چنین صورتی کلمه خاصی نیست که فقط و فقط برای خدا به کار برده شود.

حکمت دوم این است که همان طوری که پیغمبر و امام در نورانیت خود مؤمنان را کمک مینمایند، همین قسم اهل ایمان را میباید که ایشان در نوعیت جسمانی خویش، رسول و امام را مدد نمایند. مزد و پاداش ایشان به این طرز داده خواهد شد، به طریقی که ایشان را یاری خدا باشد، چرا که خدا (ج) در ذات خود به هیچ مددی نیازمند نیست.

حکمت سوم این است که وقتی شما خلیفه خدا را مدد و یاری میرسانید بدانید که شما خدا را یاری کرده اید. و زمانی که او شما را مدد میکند، بدانید که آن از طرف خداست.

حکمت چهارم این است که مرتبه عظیم پیغمبر و امام علیهما السلام هرگز تحت الشعاع این گپ واقع نه خواهد شد که شما مؤمنان ایشان را کمک کرده باشید. همان طور که بالقصور مدد برای خدای تعالی، در

عظمت و جلال او شکی نه میتوان کرد -

حکمت پنجم این است که این امر خدای تعالی عام نیست. بل خاص است. چرا که اگر امری عام باشد، در آن ترس از دوزخ و امید از بهشت وجود دارد. اما این جا این طور نیست. بل، پروردگار عالم با کمال مهربانی این امر را در این صورت ظاهر فرموده است، منیاب مثال برای او در کار تعطیل شده سی یاری کرده بروی احسان شده باشد. و اهمیت و فضیلت این خدمت دینی و اطاعت، درجه آخر بیان را دارد. حکمت ششم این است که معیار نزول و صعود در آن بیان شده است که اگر مؤمنی نیت و قول و عمل خود را اصلاح نه کند و در جاده اسلام و راه روحانیت نه تواند حرکت کند و هر بار در گامهایش لغزش پدیدار شود، معلوم است که او خدا را نه میتواند یاری برساند. و از این رو خدا او را مدد نه میکند و به همین سبب در هر گامش لغزش رونما میگردد.

انصار | دلیل ۱۹: ترجمه آیه کریمه: آنگاه که دریافت عیسی از قوم خود کفرا، گفت: کیستند یاری دهنده گان من به سوی خدا؟ حواریون گفتند: ما ایم یاری دهنده گان خدا را (۳۲)

ترجمه آیه مقدس دیگر: ای مؤمنان باشید نصرت دهنده خدا را. چنان که عیسی پسر مریم گفت بر یاران خاص خود، کیستند نصرت دهنده گان من به سوی خدا؟ متوجه شدند آن یاران، گفتند: ما ایم نصرت

دهنده گان خدا را (۶۱)

خلاصه هر دو آیت این است که چون مردم خدا را مدد کردند  
میخواهند، رسول اگر هم را مدد نمایند و اگر رسول اگر هم را میخواهند یاری  
کند، امام زمان را یاری برسانند - تا که ایشان را کمک خدا، رسول و امام  
دستیاب شود - و این در صورت هدایت باطنی و ظاهری میسر میگردد و  
در نتیجه ایشان سر آغاز کمک انسانی قرار میگیرند و برای ایشان زمینه کامیابی  
در هر دو جهان فراهم میشود -

**مدد از روشنی** | دلیل ۲: ترجمه آیه متبرکه که :- و این آن روزی شود

که مردان منافق و زنان منافق به کسانی که ایمان آورده اند میگویند: درنگی  
کنید تا از نور تان فروغی گیریم - گویند به دنیا باز که دید و از آن حب نور  
بطلبید (۵۴)

از این آیه حکمت آمیز از بسیاری جهات، هم از جهت ندامت  
و برگشت شخصی که به دنیا آرزوی برگشتن را دارد و هم از جهت شناخت  
نایب رسول، جرعه های حکمت نمودار است - چنانچه در آن این نیز است  
که کسی به تاریخ رجوع کرده رسول و جانشین حقیقی او را بشناسد - و این  
هم است که مؤمنین در روشنی نوری که در راه آخرت یا طریق روحانیت  
طی کرده اند، این نور، همان نوری است که در دنیا در میان ایشان بود -  
از این رو ایشان به منافقان میگویند که اگر شما مانند ما در روشنی چنین نوری

میخواهید قدم بردارید، به دنیا برگشته در آن جا معرفت نور را حاصل کنید-

یک گپ بسیار نخته دیگر این هم است که آیا منافقان بر آن مقام برای حصول رهنمایی، دستگیری و مدد استغاثه نه میکنند؟ و آیا ایشان این جواب را در نه مییابند که شمار از آن نور مددی حاصل نه خواهد شد، چرا که شهادت زنده گی دنیوی از آن مدد حاصل نه کرده اید؟!

**تماماً مسلمان | دلیل ۲۱؛ چه گپ مصحیحی! همه مسلمانان در عقیده**

توحید و تبت، بدون اتحاد در ولایت علی، از یک اعتبار برخوردارند. یعنی بر همان درجه سی اند که علی علیه السلام راهادی و رهنمای خویش قبول دارند. وقتی هدایت و رهنمایی ایشان اسلامی است، همین هدایت رهنمایی، دستگیری و کمک است. و این به این معنی است که الحمد لله همه مسلمانان علی را مددگار و دستگیر پذیرفته اند. که چه ایشان از ردی عادت "یا علی مدد" بسیار کم میگویند.

مادر این کتاب به تکرار این نکته را روشن کرده ایم که کسی که هادی است، او مددگار نیز است. از این رو که "هدایت"، "مدد" و "مدد"، "هدایت" است. یعنی معنای هر دو کلمه یکی است.

- پایان -



## Allāmah Naṣīr al-Dīn Naṣīr Hunzai

He is the author of over a hundred books related to the esoteric interpretation of the holy Qur'ān. He writes both prose as well as poetry. He is the first person to have a Dīwān of poetry in Burushaski, his mother tongue, and is known as "Bābā-i Burushaskī" (Father of Burushaski) for his service to that language. He also composes poetry in three other languages: Urdu, Persian and Turkish. His contribution to spiritual science has been widely recognised. His works include "Qur'ānic Healing", "Balance of Realities", "Du'ā' - Essence of 'Ibādāt", "What is Soul?", "Recognition of Imam, Parts I, II & III", as well as being co-author of a German-Burushaski dictionary published by Heidelberg University and "Hunza Proverbs" published by Calgary University.

